

رابطه فقر و فرسایش سرمایه اجتماعی در آموزه‌های علوی

مژگان قادرزاده* / احمد زراع زردینی** / حسن زارعی محمودآبادی***

سید سعید زاهد زاهدانی****

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۴

چکیده:

گرچه فقر پدیده‌ای ملموس و شناخته شده است؛ اما به لحاظ مفهوم جامعه‌شناختی با مفاهیمی همچون نابرابری اجتماعی یا اختلاف طبقاتی گره خورده است. برخی در تبیین و تحلیل مفهوم فقر نهادها و ساختارهای اجتماعی را در بروز و ظهور پدیده فقر دخیل دانسته و برخی نیز به این نظریه پرداخته‌اند که فقرا نیز به نوبه خود به عنوان عاملان اجتماعی در بروز آن نقش مؤثری دارند. به همین دلیل اگر پذیرفته شود که در هر صورت فقر در جوامع و خانواده‌ها وجود دارد؛ فقرا به عنوان اقشاری از جامعه در موضوعیت افول سرمایه اجتماعی دخالت دارند. این پژوهش به مطالعه رابطه فقر و افول سرمایه اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام با روش توصیفی تحلیلی پرداخته و گردآوری مطالب نیز به روش کتابخانه‌ای است. فرضیه تحقیق آن است که از دیدگاه امام علی علیه السلام میان فقر و مؤلفه‌های حضور در انجمن‌ها، مشارکت اجتماعی، ارتباطات اجتماعی و اعتماد اجتماعی و رعایت هنجارهای اجتماعی که از مهمترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است رابطه معناداری وجود دارد.

کلید واژگان:

امام علی علیه السلام، فقر، سرمایه اجتماعی. جامعه شناسی

* دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه میبد، میبد، ایران. (نویسنده مسئول). mghaderzadeh1@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران. zareardini@meybod.ac.ir

*** استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران. h.zarei@meybod.ac.ir

**** دانشیار جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. zahedani@shirazu.ac.ir

۱. مقدمه (بیان مسأله)

سرمایه اجتماعی، اگرچه مفهومی است که در دهه‌های اخیر به وجود آمده است؛ اما با توجه به ماهیت این مفهوم ریشه آن را در اندیشه‌ها، سنت‌ها، نهادها و روابط اجتماعی می‌توان جست. سرمایه اجتماعی اشاره به منابعی دارد که افراد به واسطه حضور در گروه‌های اجتماعی، انجمن‌ها و یا باشگاه‌ها به آن‌ها دسترسی دارند. اساس بحث سرمایه اجتماعی نیز مجموعه اعتقادات، باورها، هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شکل می‌گیرد و بالنده می‌شود. این هنجارها و ارزش‌ها نیز محصول نهادهای اجتماعی و اقتصادی نوع نظام سیاسی و روابط انسانی است که ویژگی‌های اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی از نقاط کانونی آن به شمار می‌رود (تاجبخش، ۱۳۸۵، ص ۱۰). سرمایه اجتماعی بر ارزشمندبودن پیوندها و روابط میان افراد و گروه‌ها استوار است. به عبارتی سرمایه اجتماعی، به مثابه دارایی به شمار می‌آید که در روابط اجتماعی میان افراد وجود دارد. زیرا این ارتباطات با خلق هنجارها و ارزش‌ها و اعتماد متقابل، موجب تحقق اهداف می‌شود. زیرا در پرتو ارتباطات متقابل باعث نزدیکی افراد به یکدیگر شده و همکاری را سهولت می‌بخشد.

شاخص‌های اعتماد اجتماعی، حضور در انجمن‌های داوطلبانه، ارتباطات اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی در رابطه‌ای دوسویه با سرمایه اجتماعی می‌باشد. به گونه‌ای که با تقویت و تضعیف هر کدام از این مؤلفه‌ها این سرمایه نیز تغییر می‌یابد. اعتماد از مهمترین عنصر در ارتباطات افراد جامعه انسانی به شمار می‌رود که سبب توسعه مشارکت می‌شود. مشارکت درون یک گروه و یا یک ملت نشانه اعتماد تعمیم‌یافته، رضایت، خوش‌بینی و همچنین اشتراک در ارزش‌ها و هنجارهاست. با زوال اعتماد اجتماعی و با سست شدن پای‌بندی به ارزش‌ها و یا کاهش وفاداری به قراردادهای و توافقات، انسجام و همبستگی نیز رو به ضعف و سستی می‌نهد. لذا ضعف در هر یک از این مؤلفه‌ها به فاصله‌گرفتن بین ساکنین یک سرزمین از یکدیگر و از دست‌رفتن دغدغه‌های تعمیم‌یافته و تضعیف احساس هم‌سرنوشتی می‌گردد (ذکایی، ۱۳۸۱، ص ۸). به سخن دیگر اگر یکپارچگی و اعتماد میان افراد جامعه بالا باشد، علل موجد سرمایه اجتماعی حضوری فعال و کارساز دارند و متقابلاً چنانچه این عوامل را ضعیف و سست مشاهده کنیم؛ درمی‌یابیم جامعه با

فقدان عوامل انسجام‌آفرین روبرو است. درست همان‌گونه که بالا بودن گرمای بدن نشانه و علامت وجود نوعی بیماری در اندام است، ضعف و سستی مشارکت مردم، نشانه نوعی بیماری اجتماعی است. پراکندگی و پربشانی اجتماعی ما را از وجود بیماری اجتماعی باخبر می‌سازد. اهمیت و تأکید بر رعایت هنجارها، اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی به این علت است که نشان داده شود، تا زمانی که علل تضعیف‌کننده اعتماد و انسجام، مشارکت و عدم رعایت هنجارهای اجتماعی در بافت و لایه‌های جامعه فعال باشد، هرگونه ظاهرسازی و چهره‌پردازی کاذب از جامعه راه به‌جایی نخواهد برد. راه‌حل‌های تسکینی، اجباری و غیر بنیادین به بن‌بست خواهند رسید. انواع تضادها و نزاع‌ها شعله‌ور خواهد شد (زمانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵).

بنابراین بدون توجه به سرمایه‌های اجتماعی اعم از «رعایت هنجارهای اجتماعی» «پیوند»، «اعتماد»، «مشارکت» و صور مختلف آن نظم اجتماعی امکان‌پذیر نیست و موجب بی‌نظمی، شکستن هنجارها، خلط ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها می‌شود. به گونه‌ای که مردم آن اجتماع دچار اختلاف، کشمکش، بی‌تفاوتی و افسردگی خواهند شد و اصلاح این نقایص زمان زیادی را می‌طلبد. لذا با توجه به نقش مهم سرمایه اجتماعی، سازمان‌ها و دولت‌ها از مؤلفه‌های آن در جلب اعتماد، دوام و بقاء خود بهره می‌گیرند. نکته حائز اهمیت این است که این ابزار باید متناسب با ساختار هر جامعه به صورت مجزا ارائه شود.

سرمایه اجتماعی به مثابه دارایی نامحسوس جوامع بشری به شمار می‌رود که ضرورت و اهمیت این پژوهش مطالعه این سرمایه و ارزیابی و بررسی آن در سخنان امام علی علیه السلام و وصول به یک الگوی دقیق بر اساس اندیشه‌ها و باورهای آن امام همام است. از سویی راه‌یافتن اصطلاح سرمایه اجتماعی در برنامه چهارم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سند چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی (در بند دو سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز بیست‌ساله ایران به‌عنوان کشوری معرفی شده است که برخوردار از دانش پیشرفته، و متکی به سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی است) رسماً اهمیت این سرمایه را در حوزه عمومی و نظام سیاست‌گذاری کشور نشان می‌دهد. لذا هم‌اکنون نیز





نهج البلاغه و اندیشه و سیره آن امام همام به‌عنوان منابع اسلامی و بومی می‌تواند پشتوانه‌ای اصیل در جهت تداوم، اعتلا و تعالی جامعه اسلامی باشد.

از طرف دیگر، بررسی و تحلیل سنت و سیره معصومین (علیهم‌السلام) اگر در قالب مفاهیم شناخته‌شده علوم اجتماعی یا علوم انسانی صورت گیرد، می‌تواند راه‌حل برخی از مشکلات موجود در جامعه باشد. زیرا چند عامل سبب شد که متفکران به موضوع سرمایه اجتماعی توجه خاص نشان دهند: زوال الگوی زندگی سنتی، زوال اخلاق، ناهنجاری‌های اجتماعی، عدم مشارکت سازنده و انسجام اجتماعی، بحران‌های ناشی از بی‌اعتمادی و... که نظر بسیاری از اندیشه‌وزران را به این سو کشاند و باعث نظریه‌پردازی در این حوزه شد. به همین دلیل سخنان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌تواند پشتوانه محکمی در مقابل تهدیدات ذکر شده باشد. به ویژه با توجه به این که این مباحث در قالب نظریاتی وارد جامعه می‌شوند، حتماً باید با ساختار و شرایط آن جامعه بومی‌سازی شوند. زیرا بی‌توجهی به این امر و کاربرد نظریه‌هایی که با توجه به تجربیات کشورهای دیگر به‌دست آمده است، موجب نادیده‌گرفتن ظرفیت‌های بومی می‌شود و گاه بیش از آن که مفید باشند، ضرر می‌رساند. زیرا ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای رنگ و بوی هویتی آن جامعه را دارد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه فقر و آثار آن تحقیقات فراوانی نگاشته شده است به عنوان نمونه اسفندیاری (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان «فقر و انحرافات اجتماعی» مسأله فقر را در وقوع انحرافات اجتماعی و ناهنجاری اجتماعی و میزان جرائم در زنان و پدیده سرقت در ارتباط مستقیم می‌داند. کلاتنری و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی «ارتباط فقر با قانون‌گریزی» پرداخته‌اند و رابطه مستقیمی میان فقر و درآمد و قانون‌گریزی اثبات کرده‌اند. سالمی (۱۳۹۰) در مقاله «تأثیرات فقر بر انحرافات اجتماعی از دیدگاه امام‌علی (علیه‌السلام)»، فقر را به عنوان مهمترین عامل در تضعیف باورها و افکار فرد قلمداد می‌کند. محمد باقری و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «ارتباط فقر با خشونت اجتماعی شهر یزد» نشان داده‌اند که فقر و خشونت در ارتباط مستقیم هستند و درآمد پایین افراد فقیر سبب ایجاد خشونت و رفتارهای ناهنجار می‌شود.

حیدری و آرامش (۱۳۹۴) نیز در مقاله «فقر اقتصادی و رفتار انتخاباتی» نشان داده‌اند که ایجاد اشتغال و مسکن، کاهش نرخ بیکاری و تورم می‌تواند مشارکت سیاسی را افزایش دهد. حکیمی و خزایی (۱۳۹۸) نیز در مطالعه‌ای تحت عنوان «تبعات امنیتی فقر» معتقدند که فقر به



عنوان معضل اجتماعی باعث استفاده از نیروی کار و از عوامل موجود نابرابری‌های اقتصادی در ایران است. شاو (۱۹۹۶) در مقاله «جرایم شهری و فضای خاص شهری» به مطالعه فضاهای فقیر و جنایت پرداخته است و نتایج نشان می‌دهد که فقر افراد را به سوی جرایم سوق می‌دهد. پایولا سانتانار (۲۰۰۲) «تأثیر فقر بر طرد اجتماعی» بررسی کرده است و میان فقر و طرد اجتماعی و دسترسی به منابع رفاهی همبستگی وجود دارد.

پژوهش حاضر به پیامدهای فقر و ارتباط آن با فرسایش سرمایه اجتماعی پرداخته است و سعی نموده است که این موضوع را بر اساس آموزه‌های علوی بررسی کند و رابطه میان فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حضور در انجمن‌ها، اعتماد اجتماعی و رابطه این مؤلفه‌ها را با موضوع فقر از دیدگاه حضرت امیر علیه السلام بررسی کند که تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است.

۲. چارچوب مفهومی

۲/۱. سرمایه اجتماعی: منشأ و منبع

مفهوم سرمایه اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی کلاسیک غرب توسط دیوید هیوم، دورکهایم، هربرت اسپنسر و کارل مارکس ابداع شد. از میان صاحب‌نظران معاصر می‌توان این مفهوم را در نظریات اندیشمندانی همچون پیر بوردیو، جیمز کلمن، رابرت پاتنام، و فرانسیس فوکویاما جستجو کرد (ذکایی، ۱۳۸۱، ص ۴۵).

جیمز ساموئل کلمن نظریه‌پرداز، پژوهشگر و استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های آمریکا، جامعه‌شناس برجسته نسل خود بود. با دقت در مبحث سرمایه اجتماعی از دیدگاه کلمن رهیافت فرد محور را می‌توان جستجو کرد. بدین معنا که سرمایه اجتماعی از نظر وی بیشتر در سطح خرد یا فردی تحلیل می‌شود. در این رهیافت کلمن سعی می‌کند که سرمایه اجتماعی را در سطح خانواده، یا گروه‌های کوچک و نقش آن در تعلیم و تربیت و منافی که برای آنان به دنبال دارد؛ مورد بررسی قرار دهد. بنابراین خانواده‌ها و گروه‌هایی که به منابع مهم دسترسی دارند و جایگاهی برجسته در شبکه اجتماعی به دست آورده‌اند، از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند. همین رهیافت را در اندیشه بوردیو می‌توان مشاهده کرد. کلمن به خصوص به نقش خانواده در موفقیت تحصیلی اشاره

1. James Kelman



می‌کند. زیرا ساختار خانواده با سرمایه‌گذاری والدین و وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها وابسته است و پیامدهایی در موفقیت فرزندان دارد. لذا هرگونه شکست خانواده اعم در وظایف و کارکردهای آن می‌تواند در زوال اجتماع نقش مهمی داشته باشد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۵۵).

وی سرمایه را به سرمایه فیزیکی، انسانی، اجتماعی تقسیم می‌کند و می‌گوید: «سرمایه اجتماعی به نوبه خود، زمانی شکل می‌گیرد که روابط میان افراد به گونه‌ای دگرگون‌شود که کنش را تسهیل کند» (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۴). وی می‌نویسد: «اعتماد، مدارا، همکاری و ارزش‌هایی مانند ترجم، شفقت، مثال‌هایی برای نتایج مثبت سرمایه اجتماعی هستند» (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۵۹). همچنین به عقیده وی ارتباطات اجتماعی زمانی ایجاد می‌شوند که افراد تلاش می‌کنند که بهترین استفاده و منفعت را از منابع آن ببرند. به همین دلیل تنها به عنوان ساختار اجتماعی در نظر گرفته نمی‌شوند (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۵۹). مسلّم است که تعریف کلمن بر اساس منافع فردی متأثر از استفاده از انتخاب عقلانیت در تبیین رفتار است.

پیربورديو^۱ اندیشمند دیگر در حوزه سرمایه اجتماعی است. از نظر بورديو دو عامل برای سرمایه اجتماعی مهم است؛ یکی میزان در خور اعتمادبودن محیط اجتماعی که پرداختن به تعهدات را مشخص می‌کند و دیگری میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته‌است. به نظر وی حتی در ساختارهای کلان نیز در چارچوب اعتماد و در بستر اعتماد متقابل شکل می‌گیرد. به همین دلیل آسیب‌پذیری اعتمادهای انتزاعی را می‌بایست بر حسب آسیب‌های وارد به حدود اعتماد متقابل بررسی کرد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۸).

وی سرمایه اجتماعی را این‌گونه معرفی می‌کند: «سرمایه اجتماعی، مجموع منابع بالفعل و بالقوه که به داشتن شبکه‌ای نسبتاً پایدار از روابط کم و بیش نهادینه‌شده ناشی از آشنایی، مورد پذیرش قرارگرفته و به شناخت متقابل مربوط است (بورديو، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰). با توجه به تعریف وی مشخص می‌شود که از نظر وی پیوند شبکه‌ای به عنوان یکی از منابع اصلی سرمایه اجتماعی به روابط خاص منحصر نمی‌شود، بلکه آن‌چه به عنوان منبع اصلی سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود، روابط پایدار است. به همین مناسبت وی مطالعات خود را به دوچیز متمرکز کرده‌است: الف) فوآند

¹ Pierre Bourdieu



حاصل از مشارکت فرد در گروه. ب) ارتباطات بیشتر برای کسب منفعت بیشتر (بوردیو، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸). از این رو نگاه وی به سرمایه اجتماعی کاملاً سودجویانه است و تا حدی بر این مسأله پای فشاری می‌کند که مردم با قصد قبلی و آگاهانه، روابطشان را بر اساس منافی که قرار است در آینده به آن‌ها برسد، تنظیم می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۸۴، ص ۹).

از نظر بوردیو دو عامل است که عناصر سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. ۱. ذات روابط اجتماعی که به افراد اجازه می‌دهد تا مدعی دستیابی به منابع متعلق به معاشران خویش شوند. ۲. کمیت و کیفیت آن منابع. مراد از کمیت، افرادی که در درون شبکه قرار دارند و هرچه تعداد افراد درون شبکه‌ها بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری ایجاد خواهد شد و منظور از کیفیت حجم سرمایه «اقتصادی، فرهنگی و نمادین» افرادی است که کنش‌گر با آن‌ها در ارتباط است. از نظر بوردیو شبکه محصول راهبردی سرمایه‌گذاری جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه به منظور تولید و احیاء ارتباط اجتماعی است (بوردیو، ۱۳۸۴، ص ۹۴). در یک تقسیم‌بندی وی معتقد است شبکه‌های اجتماعی به دو بخش تقسیم می‌شوند: الف) بخش ساختاری که حکایت از وجود عینی سرمایه اجتماعی است و در این تقسیم‌بندی، حجم شبکه، شدت و گستردگی روابط قرار می‌گیرند. به هر میزان که شبکه‌های اجتماعی از تراکم و تنوع بیشتر برخوردار باشند، در پیوندهای قوی‌تر اعضای گروه دارای منابع مشابهی هستند در این بخش هر اندازه میزان پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و شیوه کنش اجتماعی بیشتر باشد، باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. ب) بخش مبادلاتی: در این بخش عملاً پویایی شبکه‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، از دیدگاه افرادی همچون «بوردیو» و «لین» این بُعد مبادلاتی شبکه‌های اجتماعی برجسته‌تر است، زیرا شبکه‌های اجتماعی برای تولید منابع ارزشمندی مانند حمایت و دسترسی به اطلاعات بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (شارع‌پور، ۱۳۸۵، ص ۸۲).

با وجود آن‌که بوردیو و کلمن سرمایه اجتماعی را محصول مشارکت و عضویت در گروه محسوب می‌کنند؛ اما تفاوت این دو اندیشمند در مبحث سرمایه اجتماعی در این است که بوردیو سرمایه اجتماعی را نوعی دارایی تلقی می‌کند که تنها در اختیار سرمایه‌داران و نخبگان است ولی کلمن سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای وصول به سرمایه اجتماعی آن هم توسط محرومان در نظر گرفته است.



پاتنام^۱، اندیشمند آمریکایی در علوم سیاسی، یکی دیگر از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. نظریات پاتنام از مرزهای علوم سیاسی فراتر رفته است و به حوزه عمومی رسیده است. در تعریف وی، اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی را عناصر بنیادین در ایجاد سرمایه اجتماعی تلقی می‌کند و تسهیل‌کنش را مهمترین کارکرد سرمایه اجتماعی معرفی نموده است (پاتنام، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵). پاتنام نیز ارتباط افراد در جامعه شبکه را به عنوان منبعی معرفی می‌کند که در رفتارهای اعضای جامعه موجود است. وی عقیده دارد ساختارها در جامعه یا در یک شبکه، بر روی اعتماد و ارتباط متقابل ذاتی آن شبکه اثرگذار است (پاتنام، ۱۳۷۹، ص ۸۹). در بحث از شبکه‌ها تأکید وی بیشتر بر شبکه‌های افقی است تا عمودی. شبکه‌های افقی مانند مشارکت‌های مدنی (انجمن‌ها، باشگاه‌ها و احزاب ...) است (پاتنام، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶). اعتماد عنصر دیگر سرمایه اجتماعی است که از نظر وی از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود. پاتنام، اعتماد را به عنوان یکی از منابع سرمایه اجتماعی در سطح کلان مورد توجه قرار داده است که عملکردهای مثبت حکومت و پویایی اقتصادی را به دنبال دارد. در الگوی پاتنام رابطه مبتنی بر اعتماد در میان کنش‌گران اقتصادی ناشی از ویژگی‌های فرهنگی مشترک آنان است که در درون اقتصادی محلی شده، عینیت می‌یابد و زمینه‌ساز بده و بستان و امکانات آتی بوده که به بهبود شبکه‌های مشارکت مدنی منجر می‌شود. این تفکر «پیوند» میان اعتماد و شبکه‌های انجمنی غنی را بدیهی فرض می‌کند (پیران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴).

رابرت پاتنام، مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقمند است. به همین دلیل می‌توان دیدگاه وی را در باره سرمایه اجتماعی برخلاف «کلمن» و «بورديو» دیدگاهی اجماع محور تلقی کرد.

از نظر وی آنچه در تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی دخیل است؛ اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که به نفسه خود را تولید یا تضعیف و نابود می‌کنند به تعبیر وی ایجاد و نابودی سرمایه اجتماعی با دور فضیلت و رذیلت تعیین می‌شود (پاتنام، ۱۳۷۹، ص ۲۹۰). وی می‌نویسد: «منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها، شبکه‌های اجتماعی به طور معمول خود فزاینده‌اند. در باز

1. Putnam



تولیدکننده فضائل، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. این ویژگی‌ها در جوامع غیر مدنی نیز خصلت خود تقویت‌کننده دارند. عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، حيله، انزوا، بی‌نظمی، بهره‌کشی یکدیگر را در جو خفقان‌آوری دوره‌های باطل تشدید می‌کند» (پاتنام، ۱۳۷۹، ص ۳۱۲). اگر بی‌اعتمادی عمیق از طریق تجربه از بین رود، مردم را از مشارکت در انواع مناسب تجربه اجتماعی باز می‌دارد و بدتر این که به بروز رفتارهایی منجر می‌گردد که خود به افزایش بی‌اعتمادی کمک می‌کند به همین دلیل بی‌اعتمادی قابلیت خود توجیه‌گری دارد (پاتنام، ۱۳۷۹، ص ۲۹۰). منظور وی از این عبارت این است که اگر میان دوفقر اعتماد شکل گرفت در سایر موارد قابل تعمیم است و بالعکس اگر اعتماد در یک مورد از بین رفت در سایر موارد از بین می‌رود.

وی در کتاب بولینگ تک نفره مهم‌ترین منابع تولید کننده سرمایه اجتماعی را مشارکت سیاسی، عضویت انجمنی، داوطلب‌شدن برای کارهای خیرخواهانه، تعامل اجتماعی، مشارکت مذهبی، صداقت، همیاری و شبکه‌های غیررسمی معرفی می‌کند (پاتنام، ۱۳۷۹، ص ۳۱۷).

فرانسیس فوکویاما^۱ در سال ۱۹۹۲ به یکباره در جمع اندیشمندان سرمایه اجتماعی قرار گرفت. وی با تألیف کتاب «اعتماد؛ خصائص اجتماعی و آفرینش سعادت» در زمینه سرمایه اجتماعی به شدت مورد توجه قرار گرفت. پس از آن در کتاب «زوال بزرگ» او با طرح نقش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در سرمایه اجتماعی دگر باره مطرح شد. از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ اکثریت کشورهای غربی را در حوزه مطالعات خویش قرار دارد و متوجه شد در این کشورها فروپاشی خانواده که با شاخص‌های افزایش آمار ارتباطات نامشروع و طلاق نشان داده شده است، وجود دارد (بن فاین، ۱۳۸۵، ص ۵۷).

فوکویاما سرمایه اجتماعی را به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌کند. در تعریف او اساساً عنصر اصلی سرمایه اجتماعی، هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی است که همکاری را در گروه ترویج می‌کنند. و هنجارها در صورتی معنی دارند که بیش از یک فرد در آن سهیم باشد. لذا گروه حاوی سرمایه اجتماعی ممکن است به کوچکی دو دوست یا در مقیاس بزرگتری شامل تمام ملت باشد. فوکویاما می‌نویسد: «سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا

1 Francis Fukuyama



ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم باشند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند» (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

با این تعریف، اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و جامعه مدنی که با سرمایه اجتماعی در ارتباط اند، تماماً محصول جانبی این پدیده‌اند که در نتیجه سرمایه اجتماعی به وجود می‌آیند، ولی خود سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند همچنین با توجه به عبارت فوق از نظر وی تنها هنجارهایی شالوده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند که در ایجاد و افزایش همکاری در گروه مؤثر باشند و با فضایی چون درست‌کاری، وفای به عهد، قابل اعتماد بودن در انجام وظیفه و امثال آن در ارتباط باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰-۱۶۹). فوکویاما با نوعی رویکرد اقتصادی به موضوع اعتماد می‌پردازد. به زعم وی جهت ایجاد سرمایه اجتماعی نوعی اعتماد میان غریبه‌ها لازم است او با نظر به شعاع اعتماد بر وابستگی سرمایه اجتماعی بر اعتماد تأکید می‌ورزد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۰).

البته وی در موردی دیگر شبکه‌های اجتماعی را از مقومات سرمایه اجتماعی به شمار می‌آورد. زیرا در آن هنجارهای رسمی مشترک حاکم است. شبکه‌ها از طریق درونی‌سازی هنجارهای غیررسمی با یکدیگر تعامل می‌کنند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲). فوکویاما برخلاف کلمن و بوردیو که سرمایه اجتماعی را کالای عمومی می‌دانند، مدعی است که عقل حکم می‌کند به دلیل نیازمندی تمام افراد به همکاری جمعی برای رسیدن به اهداف شخصی‌شان. هر فردی سرمایه اجتماعی را همچون کالای خصوصی تولید کند. به عبارت دیگر به عقیده وی سرمایه اجتماعی در اصل برای اجتماع دارای کارکرد مثبت و مطلوب است و افراد به صورت آگاهانه در تولید آن اقدام می‌کنند (فوکویاما، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲).

۲/۲. ابعاد مطالعه فقر از نگاه جامعه‌شناسی

واژه «فقر» در لغت به معنای نیاز و نداشتن دارایی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۴۱) و کمی دارایی (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۷۸) ذکر شده است. واژه مقابل آن «غنی» است که به معنای توانگری (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۳۶) و رفاه و دارایی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۱۲) آمده است.

در معناشناسی فقر اصولاً اختلاف نظرهای اساسی میان اندیشمندان وجود دارد و تعریف جامع و مانعی وجود ندارد که زاینده نوع بینش آنان نسبت به مسأله فقر است به عنوان نمونه اقتصاددانان بیشتر به علت و ریشه‌یابی و نتایج فقر دقت به خرج می‌دهند و کمتر به تحلیل اجتماعی پدیده فقر می‌پردازند (افروغ، ۱۳۸۷، ص ۶۷). در علم جامعه‌شناسی اغلب دو واژه فقر و نابرابری در کنار یکدیگر ذکر می‌شوند.

این دو واژه هرچند از حیث معنایی با یکدیگر متفاوت هستند، اما ظاهراً کاربردی جداگانه ندارند؛ زیرا از یک جهت فقر معلول نابرابری درآمد است. از جهت دیگر نابرابری مالی هم مولود فقر است. در علم جامعه‌شناسی فقر این‌گونه تعریف شده است «برآورده‌نشدن نیازهای اصلی بشر به حد کفاف» (افروغ، ۱۳۸۷، ص ۷۶). هرچند در این تعریف دو سؤال همواره مطرح می‌شود: اینکه اساساً نیازهای اصلی و اساسی بشر چیست؟ زیرا مسلماً نیازهای اساسی و اصلی از انسانی به انسانی دیگر و از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر و از زمان به زمانی دیگر و از مکانی به مکانی دیگر متغیر است. اما اساساً نیازهای بنیادین انسان امروزی را در اموری مانند خوراک، پوشاک، آموزش، بهداشت، ورزش و اوقات فراغت و... خلاصه کرد. اما از همه این‌ها اساسی‌تر نیاز به خوراک و پوشاک و مسکن است که در صورت فقدان آن حکم به فقر می‌شود. در زمینه فقر نظریه‌های متفاوتی وجود دارد

۱/۲/۲. رویکرد فقر و طرد اجتماعی

این رویکرد معتقد است که فقرا به دلیل فقر درآمدی و معیشتی توان مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی هدفمند و مطلوب را از دست داده و در نتیجه در تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز مشارکت ندارند. در این جا تأکید بر روی روابط میان افراد و گروه‌ها و انجمن‌ها است. در این رویکرد هرکس در انجمن‌ها و گروه‌ها مشارکت فعال و هدفمند نداشته باشد به نوعی دچار طرد اجتماعی می‌شود. عدم حضور در انجمن‌ها و فقدان ارتباط با دیگران به احساس تنهایی منجر می‌شود (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴، ص ۴۰ به نقل از اوندرو، ۲۰۰۰).

در این نظریه که به عنوان فردگرایی و سلب صلاحیت اجتماعی دیده می‌شود بیان می‌شود که فقر سبب می‌شود روابط میان افراد فقیر و افراد جامعه سلب و نقض شود و فقر از طریق عدم دسترسی به منابع مالی و عدم دسترسی به خدمات عمومی و خصوصی، عدم مشارکت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تحصیلی نیز از طریق بهزیستی و کیفیت زندگی مطلوب منجر به





انزوا و فردگرایی می‌شود و در نتیجه گسست اجتماعی را در پی خواهد داشت. در نتیجه افراد فقیر در عرصه اجتماعی و ارتباطات اجتماعی حضور چندانی ندارند و در انجمن‌های داوطلبانه مردمی عضویت ندارند و یا عضویت آن‌ها چندان مورد قبول واقع نمی‌شود که این موضوع سبب کاهش و تضعیف سرمایه اجتماعی می‌شود.

۲/۲/۲. فقر و نظریه موقعیتی

افراد فقیر به دلیل نداشتن موقعیت و منزلت و جایگاه از اجتماع منزوی می‌شوند. در حقیقت فقرا به دلیل موقعیت فرهنگی فقر که تحت تأثیر واقعیت زندگی خویش هستند و عواملی همچون بیکاری، بی‌سوادی، که آن‌ها را ناچار به بی‌اعتمادی اجتماعی مشارکت و کاهش روابط اجتماعی وادار می‌کند که همه این عوامل در بروز تخریب سرمایه اجتماعی دخالت مستقیم دارند.

۳/۲/۲. مدل بوم‌شناختی مکتب شیکاگو

این دیدگاه بیان می‌دارد مهاجران فقیر چون به مناطق فقیرنشین مهاجرت می‌کنند؛ باعث می‌شود که بین آنان و گروه‌ها و طبقات شهری به لحاظ موقعیتی جدایی شکل‌گیرد (فیالکوف، ۱۳۸۳، ص ۷۶). در نتیجه میان مناطق فقیرنشین موجب بروز و ظهور تضاد و عدم انسجام و ناهنجاری می‌شود. تحقیقات انجام شده نیز نشان می‌دهد که همبستگی شدیدی میان محیط مسکونی فقیرنشین و ناهنجاری وجود دارد (توسلی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۶). ساکنان مناطق فقیرنشین حس احترام و عزت نفس به خویشان ندارند. در نتیجه ساکنان این مناطق نمی‌توانند با الگوها و هنجارها و ارزش‌های جامعه در یک راستا باشند. در نتیجه فرهنگ آن‌ها با فرهنگ اکثریت اجتماع در تضاد و تعارض است (فیالکوف، ۱۳۸۳، ص ۹۱). بدیهی است که سکونت در این مناطق با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی همچون اعتماد، مشارکت تعامل و تقابل دوطرفه در تعارض است و در نتیجه سرمایه اجتماعی در این مناطق کمتر است.

۴/۲/۲. فقر و چرخه محرومیت

این فشر از فقرا در محاسبه با دیگران امید به زندگی در سطح پایینی قرار دارند و این وضعیت زمانی اتفاق می‌افتد که فقرا منابع لازم مانند سرمایه مالی یا ارتباطات اجتماعی لازم را برای خروج از چرخه فقر ندارند. به تعبیری وضعیت موقعیتی آنان مانع از آن می‌شود که آن‌ها به منابع اجتماعی

دسترسی پیدا کنند. زیست موقعیتی باعث می‌شود که فقرا منابع لازم اعم از منابع مالی، غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و امکانات معمول زندگی محروم شوند که باعث شکل‌گیری الگویی از رفتارها می‌شود که امکان تغییر در آن وجود ندارد (نیازی و عشایری، ۱۳۹۶، ص ۱۷۲).

۵/۲/۲. فقر و امنیت اجتماعی

این دیدگاه معتقد است که افرادی که دچار محرومیت مالی و اقتصادی هستند، از رفتار خشونت‌آمیز برخوردارند. «دورکیم» از جمله نظریه‌پردازان این نظریه است. به زعم وی آنومی (بیماری اجتماعی) زمینه‌ساز ناهنجاری اجتماعی است. «مُرتن» نیز معتقد است که وقتی افراد نتوانند از ابزارهای مشروع برای وصول به اهداف خویش استفاده کنند، احساس فشار می‌کنند و در نتیجه از راه‌های ناپه‌نجان و نامشروع برای رسیدن به خواسته‌های خود انتخاب می‌کنند. در واقع به جرم و بزهکاری متوسل می‌شوند. کوهن نیز در نظریه خویش با عنوان ناآگاهی منزلتی؛ ناهنجاری و انحراف را به طبقات اجتماعی نسبت می‌دهد و ریشه این رفتارهای ناهنجار را عدم دسترسی به اهداف مورد نظر جامعه قلمداد می‌کند (علمی وهمکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶).

در مجموع این پژوهش چارچوب نظریات فوق را مورد بررسی قرار می‌دهد و نظریه طرد اجتماعی و طرد موقعیتی و عدم امنیت اجتماعی و ناهنجاری را می‌پذیرد در حقیقت فقر سبب می‌شود که شرایطی را ایجاد کند که قابلیت افراد را خاموش سازد و به مرور زمان امکان مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی و حضور در فعالیت‌ها را از افراد فقیر سلب کند و زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات در میان این قشر آسیب‌پذیر باشد و باعث فرسایش سرمایه اجتماعی

۳. فقر و فرسایش سرمایه اجتماعی در آموزه‌های علوی

نیاز مادی از جمله مهمترین نیازهای بشری است. تقریباً در همه جوامع افرادی وجود دارند که به لحاظ معیشتی در تنگنا به سر ببرند. در اندیشه علوی نیز هنجارشکنی، بی‌صبری، اقدام به کارهای غیر عقلانی، گسترش عداوت و تضادهای اجتماعی و ستیز بین گروه‌های اجتماعی به افراد فقیر نسبت داده شده است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: « وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِإِبْنِهِ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَنْفِيَّةِ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ: و درود خدا بر او، فرمود: (به پسرش محمد حنفیه سفارش کرد): ای فرزند من از تهیدستی



بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر، که همانا فقر، دین انسان را ناقص، و عقل را سرگردان، و عامل دشمنی است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹). مطابق این سخن مردم از افراد فقیر فاصله می‌گیرند و حتی وی را مزاحم خویش تلقی می‌کنند و او از هم از مردم فاصله می‌گیرد چرا که فکر می‌کند دیگران باعث فقر او شده‌اند و در نتیجه از دو جهت باعث کینه‌ورزی و دشمنی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۵، ص ۵۸۸). بنابراین باعث افول ارتباط افراد فقیر با دیگران شده در نتیجه باعث افول سرمایه اجتماعی می‌شود.

فقر و نداری تأثیرات گسترده‌ای در اجتماع دارد و حجم وسیعی از بیانات امام علیه السلام در این ارتباط است که می‌توان آثار آن را در زمینه‌های مختلف از جمله در کاهش سرمایه اجتماعی مشاهده کرد. به این معنا که اگر سرمایه اجتماعی ناظر به روابط انسانی و تقویت شبکه‌های اجتماعی است و زمانی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند، پدیده فقر می‌تواند به کاهش روابط اجتماعی بیانجامد. زیرا فقر عبارت است بی‌نصیب ماندن از چیزهایی که برای تأمین زندگی انسان و کسانی که تحت تکفل او هستند، کفایت کند. چون افراد فقیر امکان ظهور استعدادهای آن‌ها در جامعه وجود ندارد، در عرصه اجتماعی حضور چندانی ندارند و از مشارکت در فعالیتهای عمومی مثل فعالیت در نهادها و سازمان‌های بزرگ و شبکه‌های اجتماعی پرهیز می‌کنند و در هیچ یک از انجمن‌های عام‌المنفعه و داوطلبانه عضو نمی‌شوند یا حداقل عضویت آن‌ها مورد قبول شبکه‌ها و نهادها و سازمان‌ها مورد قبول قرار نمی‌گیرد (کدخدایی الیادری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۹).

چنانچه حضرت علیه السلام به درستی به آن اشاره داشته‌اند و به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمودند: «فرزندم، فرد تهیدست و فقیر جایگاهش و موقعیتش در جامعه شناخته شده نیست» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). بنابر، نظریه فقر موقعیتی و طرد اجتماعی افراد فقیر از جامعه طرد می‌شوند. طرد اجتماعی سبب عدم مشارکت و قطع پیوندهای اجتماعی می‌شود در نتیجه موجب فرسایش سرمایه اجتماعی می‌شود. با چنین دیدگاهی بیشترین اثر اجتماعی فقر، از نگرش منفی نسبت به فقرا نشأت می‌گیرد و مردم با فقرا با شیوه‌ای کاملاً متفاوت از دیگر طبقات جامعه برخورد می‌کنند. در روابط خانوادگی، روابط دوستانه، رفت و آمدها، و به طور کلی در صحنه‌های اجتماعی افراد فقیر با بی‌تفاوتی یا تحقیر نگریسته می‌شوند. نگرش منفی و تحقیرآمیز را در مدارس، فروشگاه‌ها، مراکز



اجتماعی می‌توان ملاحظه کرد. امروزه نیز این امر ثابت شده که بین موقعیت اجتماعی فرد و روابط او با اعضای اجتماع رابطه نزدیکی وجود دارد (گنجی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳).

حضرت امیر علیه السلام با اشاره به این موضوع در فرازی دیگر فرمودند: « **الْغِنَى فِي الْغُرْبَةِ وَطَنٌ وَالْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ**: ثروتمندی در غربت، همچون در وطن بودن، و تهیدستی در وطن غربت است» (نهج البلاغه، حکمت ۵۶). زیرا غریب کسی است که دوست و آشنایی ندارد و دنیاپرستان از افراد فقیر فاصله می‌گیرند. یعنی شخص غنی هر جا برود به موجب غنایش پیوندهای محبت با این و آن برقرار می‌سازد؛ و به سبب بذل و بخشش یاران و مددکارانی پیدا می‌کند. اما فرد فقیر دوستان و بستگان خود را از دست می‌دهد و گاه به صورت موجودی فراموش شده در می‌آید و آن‌ها را در شهر خویش غریب می‌گذارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ج ۱۲، ص ۳۵۲). به عبارتی پیامد محتوم فقر محدود شدن در شبکه اجتماعی، بی‌اعتمادی اجتماعی، انزوای اجتماعی و تضعیف پیوندهای اجتماعی است این امور همان است که به نابودی سرمایه اجتماعی، حیثیت انسان و موجودیت اجتماعی او می‌انجامد. همچنین علی علیه السلام می‌فرماید: «**الْفَقْرُ يُنْسِي**: فقر مایه فراموش شدن است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۲). پس فقر شخص را به گمنامی سوق می‌دهد، ضمن اینکه او را از رده زندگی خارج می‌کند، کرامت انسانی او را از میان می‌برد و از دادن حقوق سیاسی و اجتماعی به او باز می‌دارد. پس فقر عمده‌ترین مانع برای پیوستن به اجتماع و عضو شدن در آن است. از این رو محرومان چنان در اجتماع زندگی می‌کنند که گویی در آن نیستند (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۰۵).

افراد فقیر در جامعه بزرگ‌تر درگیر نمی‌شوند امام علی علیه السلام در این باره فرمودند: « **وَالْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ**: کسی که مال کمی دارد؛ در شهر خودش غریب است» (نهج البلاغه، حکمت ۳). همچنین کسی سخن فقیر را گوش نمی‌کند و هیچ کس مقامی برای او قائل نمی‌شود. چنانچه امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «**الْفَقِيرُ حَقِيرٌ، لَا يَسْمَعُ كَلَامَهُ، وَلَا يُعْرِفُ مَقَامَهُ**: فقیر حقیر است، به سخن او کسی گوش نمی‌دهد و قدر او را هیچ کس نمی‌شناسد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲، ص ۴۷). این سخن امام علیه السلام اشاره است به از دست دادن موقعیت اجتماعی و جمله «**لَا يَسْمَعُ كَلَامَهُ**» اشاره است به این که کرامت انسانی فقیران نادیده گرفته می‌شود و کسی به سخنان آنان در راه مطالبه حقوقشان گوش فرا نمی‌دهد. به همین دلیل امام علی علیه السلام از فقر به مرگ بزرگ یاد کرده‌اند: « **الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ**» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳).



زیرا مرگ عبارت است نابودی زندگی و باطل شدن نیروهای جسمی و حیاتی. نیز این سخن امام علیه السلام: «*الْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ: قبر (مردن و دفن شدن) بهتر از فقر است*» (کلینی، ۱۳۶۵ ج ۸، ص ۲۱). در قبر جسد آدمی دفن می‌شود ولی در گودال‌های فقر هرچه آدمی نیرو و شایستگی و موهبت دارد، مدفون می‌گردد (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۰۰). همچنین امام علی علیه السلام درباره مشکلات خانوادگی نیز می‌فرماید: «هنگامی که پول داشتی همه مردم در خدمت تو هستند و هنگامی که فقیر شدی حتی خانواده‌ات تو را نمی‌شناسند» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ص ۹۱). هنگامی که فقیر از اجتماع و سیاست منزوی و منزعل باشد و هیچ وزن و آبروی در فرهنگ و اجتماع و سیاست و اقتصاد و برنامه‌ریزی و حقوق نداشته باشد، و به جایی برسد که آرزوی مرگ کند و جسمش لاغر و عقلش پریشان شود و اندوهناک و ناچیز و نومید باشد و همه از او بیزار باشند و با وی بیوند و رابطه نداشته باشند، چنین شخصی نزد خویشانش نیز منزلت و ارزشی ندارد (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۰۸). این وضعیت ذکر شده درست نقطه مقابل اعتماد بالا، مشارکت فعال، روابط اجتماعی وسیع و پویا و فعال است که باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود.

چنانچه قبلاً ذکر شد به زعم کلمن و نظریه فقر و عدم امنیت اجتماعی، هنجارهای مؤثر شکل نیرومند سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد یا هنجارهایی که پشتوانه اخلاقی دارند؛ به عاملان اجتماعی یاد می‌دهد که از منافع شخصی خویش به منفعت جمع بگذرند (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۷۶). بنابراین اگر افراد در موقعیتی قرارگیرند که با هنجارهای اجتماعی همسو باشد، به همان میزان به سرمایه اجتماعی خود می‌افزایند. هنجارها بایستی از ویژگی خاصی برخوردار باشند تا توان نهادینه‌شدن را داشته باشند و آن هم‌سویی با نیازهای انسان است تا به بهزیستی منجر شوند. اگر هنجارها با نیازهای فیزیولوژی انسان هم‌سو نباشد، چندان قدرت نهادینه شدن را ندارند. به دلیل تقدم نیازهای مادی بر نیازهای معنوی در صورت نادیده‌گرفتن نیازهای مادی، اصولاً نیازهای معنوی انسان به مرحله ظهور نمی‌رسد. چنانچه منشأ بسیاری از انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی ریشه در فقر و ناتوانی در پاسخ به نیازهای مادی انسان است. هرچند لزوماً فقر باعث ناهنجاری نمی‌شود ولی احتمال آن وجود دارد. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «*الْعُسْرُ يَشِينُ الْاِخْلَاقَ وَيُوحِشُ الرَّفَاقَ: تنگی و فشار زندگی خوی و خصلت‌ها را زشت می‌گرداند و رفقا را به وحشت اندازد*» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۹). همچنین به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «انسانی را که طلب روزی خود می‌کند سرزنش مکن، چه هرکس روزی خود و خانواده خود را

نداشته باشد، خطاهایش افزون می‌گردد» (مجلسی، محمد باقر، ج ۶۹ ص ۴۷). فقر مفرط مردمان را جز آنان که راسخ در اصول شده‌اند به شدت تهدید می‌کند. زیرا آدمی را به غفلت و ذلت و خواری در برابر مخلوق می‌کشاند و رشته روابط اجتماعی را می‌گسلد و بسیاری از تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها ریشه در فقر مفرط دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

بنابراین یکی دیگر از آثار فقر در کاهش سرمایه اجتماعی می‌توان به افزایش انحرافات توسط افراد فقیر اشاره کرد. زیرا این احتمال وجود دارد که افراد فقیر برای رفع نیازهای اساسی خویش به امور خلاف روی آورند. پرونده‌های موجود آمار جرائم در همه جای دنیا نشانگر تأیید این مسأله است که افراد فقیر به کارهای خلاف از جمله سرقت، و اعمال منافی عفت روی آورند. همچنین ممکن است از طرف سودجویان نیز مورد سوء استفاده قرار بگیرند. زیرا آنان را به بهای اندکی خریده و به کارهای خلاف سوق می‌دهند (شاکر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰). چنانچه حضرت علیه السلام می‌فرمایند: «العُسْرُ يَشِينُ الاخْلَاقَ وَيُوحِشُ الرِّفَاقَ: تنگی و فشار زندگی خوی و خصلت‌ها را زشت می‌گرداند و رفقا را به وحشت اندازد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۹). «العُسْرُ يُفْسِدُ الاخْلَاقَ: سختی و فشار اخلاق را فاسد می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۰۲).

این بیانات امام علیه السلام حاکی از آن است که فقر در انحرافات اجتماعی نقش بسیاری مهمی دارد. زیرا ترس از فقیر شدن و میل و اندیشه بزرگ خواهی انسان را به ناهنجاری سوق می‌دهد و او را به هلاکت می‌اندازد. البته فقری که سبب انحراف است آن است که با تخیل همراه باشد که دنیا همه چیز است و از همین روسبب انحراف می‌شود و اساساً اگر هدف اصلی انسان در میان خواسته‌های دنیوی گم شود به چنین توهمی دچار می‌شود و از گرایش به هیچ انحرافی ابا نخواهد داشت. بنابراین فقر به خودی خود عامل بروز انحراف نیست. چنانچه علامه در ذیل آیه ۲۶۸ سوره مبارکه بقره ترس از فقر را یک القای شیطانی می‌دانند که هدف شیطان نیز انحراف است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۹۲).

بدیهی است که فقر تمام وجوه زندگی آدمی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بدین ترتیب این افراد تحت تأثیر واقعیت‌های زندگی، بی‌کاری، جهل و بی‌سوادی، و... قرار گرفته و متعاقباً آنان را نوعی بی‌اعتمادی، عدم مشارکت، کاهش روابط و تضعیف پیوندهای اجتماعی که همه از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است، دچار می‌کند (زاهدی، ملکی، و حیدری، ۱۳۸۷، ص ۹۱). به همین دلیل امام

آن را مرگ بزرگ می‌داند: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ فقر مرگ بزرگ است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳). در واقع امام علیه السلام با این بیان استعاری این‌گونه تصریح می‌کند که انسان فقیر از خواست‌ها و مطلوب‌های خویش که سرمایه زندگی مادی است محروم شده و از این‌رو دچار تألم و اندوه می‌شود و از مقاصد خود باز می‌ماند. زیرا اندوه سراسر زندگیش را در برمی‌گیرد اما مردن یکبار است و مصیبت آن یکبار (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۳۵). پس همانگونه که فقر منجر به کاهش سرمایه اجتماعی است ثروت فراوان نیز انسان را به طغیان می‌کشاند (۷:۹۶). لذا میانه‌روی باعث ایجاد روحیه برادری در اجتماع است چه افراد در هر اجتماع چون به حقوق خود دست یابند و گرفتار دام‌های ناکامی نشوند (و با دیدن مشتی مردم خوشگذران احساس کمبودی در خود نکنند) در دل خود خشم و رشکی احساس نخواهند کرد. بلکه نسبت به یکدیگر احساس محبت و مهربانی خواهند داشت، هرکسی نسبت به برادر دینی خود و اجتماع خویش و بدین‌گونه علت‌های کینه و خشم و اختلاف و قطع روابط که (از عوامل کاهش سرمایه اجتماعی هستند) از میان می‌رود.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه امام علی علیه السلام فقر موجب افزایش بدبینی و سوء ظن نسبت به افراد می‌شود و مشارکت اجتماعی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دچار تخریب می‌کند و موجب عکس‌العمل کینه‌توزانه نسبت به اطرافیان می‌کند. فقر و نابرابری اجتماعی به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر سطح یا ایجاد و حتی حفظ ارتباطات اجتماعی تأثیرگذار است. در آمد کم مانع بزرگ در عزت نفس افراد است و مجموعه این عوامل سبب می‌شود که میزان ناهنجاری در جامعه افزایش یابد و تعاملات و ارتباطات اجتماعی افراد فقیر با گسست مواجه می‌شود و اگر افراد فقیر در روابط اجتماعی با افراد و گروه‌ها و انجمن‌ها و تشکل‌ها رابطه مناسب نداشته باشند در نتیجه با فرایند طرد اجتماعی مواجه می‌شوند و زیست اجتماعی آن‌ها با معضلات و بحران‌های عدیده مواجه خواهد شد و در نتیجه سبب ایجاد رفتارهای ناهنجار، کاهش تعلق اجتماعی، و مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی می‌شود و در نهایت سرمایه اجتماعی و یا به تعبیری سرمایه انسانی آنها دچار هدررفت خواهد شد.

منابع

. نهج البلاغه، ترجمه: جعفر شهیدی.

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ ش، *غررالحکم و دررالکلم*. تحقیق و تصحیح: مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*. تحقیق و تصحیح مصطفی درایتی. بیروت: دارالفکر.
۳. استونز، راب، ۱۳۷۹ ش، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه میردامادی. تهران: نشر مرکز.
۴. افروغ، عماد، ۱۳۸۷ ش، *خرده‌فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی*. مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. بحرانی، میثم بن علی، ۱۳۷۵ ق، *شرح نهج البلاغه*. ترجمه حبیب الله روحانی و محمد رضا عطایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶. بوردیو، پی‌یر، ۱۳۸۴ ش، *شکل‌های سرمایه*. ترجمه افشین خاکباز. حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
۷. بن فاین، ۱۳۸۵ ش، *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی*. ترجمه م. ک سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. پاتنام، رابرت، ۱۳۷۹ ش، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
۹. پیران، پرویز، ۱۳۹۲ ش، *مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی*. تهران: نشر علم.
۱۰. تاج‌بخش، کیان، ۱۳۸۵ ش، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز، حسن پویان. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۱۱. توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۸ ش، *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات پیام نور.
۱۲. حکیمی، محمدرضا، محمد، حکیمی و علی حکیمی، ۱۳۸۰ ش، *الحیاه*. مترجم: احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالقلم.
۱۴. شارع‌پور، محمود، ۱۳۸۵ ش، *سرمایه اجتماعی، مفهوم‌سازی، سنجش ودلالات‌های سیاست‌گذاری*. مازنداران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی



۱۵. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، *تفسیر المیزان*. مترجم: محمدباقر موسوی همدانی. چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
۱۶. عبداللهی، مصعب، ۱۳۸۴ ش، *نقش سرمایه اجتماعی در توسعه امیدها و دشواری‌ها*. تهران: اندیشه صادق.
۱۷. فیالکوف، یانکل، ۱۳۸۳ ش، *جامعه‌شناسی شهری*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات آگاه.
۱۸. کلمن، جیمز، ۱۳۷۷ ش، *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ ش، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۲۰. گنجی، حمزه، ۱۳۸۵ ش، *روان‌شناسی عمومی*. تهران: موسسه نشرساوالان.
۲۱. مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۴ ق، *بحارالانوارالجامعه لدرراخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام*. محقق و مصحح: هاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷ ش، *میزان الحکمه*. ترجمه: حمیدرضا شیخی. قم: انتشارات دارالحديث.
- مقالات**
۲۳. علمی، محمود؛ تیغزن، خدیجه؛ باقری، ربابه، ۱۳۸۸ ش، تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. تهران: *دومین همایش جامعه‌ایمن*.
۲۴. زاهدی، محمدجواد؛ ملکی، امیر و حیدری، امیرارسلان، ۱۳۷۸ ش، فقر و سرمایه اجتماعی، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۷(۲۸)، ۱۰۵-۷۹.
۲۵. ذکایی، سعید، ۱۳۸۱ ش، سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی. *روزنامه حیات نو*. شماره ۶۶۱.
۲۶. غفاری، غلامرضا؛ تاج‌الدین، محمدباقر، ۱۳۸۴ ش، شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۴(۱۷)، ۸۶-۴۰.
۲۷. کدخدایی الیادرنانی؛ زهره، تقی اجیه و فاضل یگانه، مسعوده، ۱۳۹۳ ش، بررسی پیامدهای فقر در سلامت روح و روان افراد از دیدگاه امام‌علی علیه السلام. *پژوهشنامه حکمت اهل بیت علیهم السلام*، ۱(۱)، ۴۷-۶۲.
۲۸. نیازی، محسن؛ عشایری، طاها، ۱۳۹۶ ش، تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ فقر روستایی. *مجله مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۱)، ۱۸۸-۱۶۷.